

## عنوان مقاله:

جایگاه «مسئله فلسطین» در نظریه و کنش سیاسی جریان های تکفیری

## محل انتشار:

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره 9، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

## نویسندگان:

ناصر پورحسن - دانشگاه ایت الله بروجردی

محمد میرعبدلی - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

## خلاصه مقاله:

هدف: با مهاجرت سازمان یافته یهودیان به فلسطین در اواخر قرن ۱۹ و اشغال آن در سال ۱۹۴۸ «مسئله فلسطین» به عنوان مهم ترین چالش جهان اسلام مطرح شده و واکنش های متفاوتی نیز از سوی دولت ها و جنبش های اسلامی نسبت به آن انجام شده است. گروه های سلفی تکفیری که داعیه دفاع از اسلام را دارند، طبعاً نمی توانند نسبت به موضوع فلسطین بی تفاوت باشند. هدف این پژوهش، واکاوی موضع گروه های سلفی-تکفیری نسبت به مسئله فلسطین است. بر این اساس سوال اصلی مقاله عبارت است از «جایگاه مسئله فلسطین در ساحت نظری و کنش سیاسی جریان های تکفیری چگونه است؟» روش: روشی که در این نوشتار برای پردازش فرضیه به کار گرفته شده، روش تاریخی-مقایسه ای است و تلاش شده بر اساس نظریه دشمن نزدیک و دور جایگاه مسئله فلسطین-رژیم اشغالگر قدس در اندیشه سلفی های تکفیری تبیین شود. یافته ها: جریان سلفی تکفیری دشمن را به دو بخش دشمن نزدیک و دور تقسیم می کند و غالب مسلمانان اعم از شیعیان و اهل تسنن غیرهمسو با تفکرات تکفیری، مصداق دشمن نزدیک بوده و رژیم اشغالگر قدس به عنوان دشمن دور در اولویت مبارزه (جهاد) قرار گرفته است. نتیجه گیری: مصداق دشمن دور و نزدیک در اندیشه و کنش سیاسی گروه های سلفی و تکفیری متحول شده است. در برخی مقاطع صهیونیسم و رژیم اشغالگر قدس دشمن نزدیک محسوب شده، اما به تدریج قاطبه مسلمانان غیر سلفی تکفیری و شیعیان مصداق دشمن نزدیک بوده و رژیم اشغالگر قدس به عنوان دشمن دور شناخته شده و این گونه مسئله فلسطین، در اندیشه و کنش این جریان به حاشیه رانده شده است.

## کلمات کلیدی:

جریان های تکفیری، دشمن دور و نزدیک، جهاد، فلسطین، رژیم اشغالگر قدس

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1216094>

